



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۲ اسفند ۱۳۹۲

مصادف با: ۱ جمادی الاولی ۱۴۳۵

جلسه: ۸۴

موضوع کلی: صحیح و اعم

موضوع جزئی: امر هفتم: تصویر جامع

سال: پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بررسی نظر محقق نائینی:

عرض کردیم محقق نائینی معتقد است تصویر جامع علی کلا القولین (صحیح و اعم) ضرورت ندارد، بیان ایشان را در جلسه گذشته اشاره کردیم حال باید ببینیم کلام ایشان تمام است یا نه؟

به نظر می‌رسد کلام محقق نائینی محل اشکال است، یک اشکال به اصل بیان ایشان وارد است که ادعا کرد الفاظ عبادات و معاملات چه بنا بر نظر صحیحی و چه بنا بر نظر اعمی برای مرتبه علیاً یعنی همان عبادات و معاملات صحیح و تام الاجزاء و الشرائط وضع شده‌اند، در ادامه فرمود استعمال الفاظ عبادات و معاملات در سایر مراتب یا از باب ادعا و تنزیل است که فاقد الاجزاء به منزله واجد الاجزاء قرار داده شده یا از باب مشارکت در اثر است ولی ما به کلام ایشان چند اشکال داریم:

اشکال اول:

عمده دلیلی که محقق نائینی در این مقام ارائه کرده تنظیم ماهیات اعتباریه به مرکبات و مخترعات حقیقیه و تکوینیه است، ایشان ماهیات شرعیه را به مخترعات تکوینیه قیاس کرده در حالی که خود این تنظیم و قیاس اول کلام است، یعنی آنچه محقق نائینی به عنوان دلیل بر مدعای خود ذکر کرده اول کلام است، از کجا معلوم است که ماهیات اعتباریه مثل مرکبات حقیقیه باشد؟ ایشان گفت ماهیات اعتباریه مثل مرکبات حقیقیه است، یعنی همان طور که در مرکبات حقیقیه، فاقد الاجزاء نازل منزله واجد الاجزاء قرار داده شده یا اثری که بر واجد الاجزاء بار می‌شود بر فاقد الاجزاء هم بار می‌شود در ماهیات اعتباریه هم مطلب از همین قرار است ولی ما عرض می‌کنیم این یک ادعای بدون دلیل است و دلیلی که ایشان ارائه داده بیشتر به ادعا شبیه است تا دلیل. پس اصل دلیل ایشان محل اشکال است.

اشکال دوم:

بر فرض کلام ایشان را بپذیریم و بگوییم ماهیات اعتباریه مثل مرکبات حقیقیه است و تنظیم ایشان را صحیح بدانیم تنزیل و مشارکت در اثر به هیچ وجه در استعمالات متشرعه و در محیط شرع وجود ندارد و ما وقتی به استعمالات شرعیه و متشرعه مراجعه می‌کنیم می‌بینیم در مورد استعمال الفاظ عبادات و معاملات در مراتب پائین تر اصلاً مسئله ادعا و تنزیل در کار نیست، یعنی ولو این مسئله را بپذیریم و بگوییم تنظیمی که محقق نائینی کرده صحیح است لکن این مسئله که ایشان فرمود استعمال الفاظ عبادات و معاملات در مراتب پائین تر از باب تنزیل و ادعا یا مشارکت در اثر است قابل قبول نیست؛ مثلاً اگر شما لفظ «صلاة» را در نماز فاقد الاجزاء و الشرائط استعمال می‌کنید آیا این نماز را نازل منزله نماز تام الاجزاء و الشرائط قرار

می‌دهید؟ آیا این تنزیل به ذهن شما خطور کرده؟ آیا این تنزیل در بین متشرعه مورد توجه است؟ آیا قرینه‌ای وجود دارد که استعمالات شارع در مراتب پایین‌تر از مرتبه علیا از باب تنزیل و ادعا یا از باب مشارکت در اثر است؟ هیچ دلیلی بر این مطلب وجود ندارد و ما با مراجعه به استعمالات شرعی و متشرعه می‌بینیم که این گونه نیست که استعمالات شارع در مراتب پایین‌تر از باب تنزیل و ادعا یا از باب مشارکت در اثر باشد. لذا معلوم می‌شود استعمال لفظ صلاة در صلاة تام الاجزاء و الشرائط و فاقد الاجزاء به خاطر چیزی است که در همه انحاء صلاة وجود دارد؛ مثلاً صحیحی که قائل است به اینکه الفاظ عبادات و معاملات برای خصوص صحیح وضع شده‌اند معتقد است همه نمازهای صحیح اعم از نماز چهار رکعتی کامل و نماز غرقی که کامل نیست یک ویژگی مشترک دارند که به خاطر آن ویژگی عنوان صلاة بر این اعمال اطلاق شده است، همچنین به نظر اعمی هم که معتقد است لفظ «صلاة» برای اعم از صحیح و فاسد وضع شده یک جهت مشترکی بین نمازهای صحیح و فاسد وجود دارد که عنوان صلاة را بر آنها اطلاق می‌کند و الا اثبات مسئله تنزیل تکلف آمیز است، اینکه بگوییم هم صحیحی و هم اعمی اگر لفظ «صلاة» را بر مرتبه پایین‌تر اطلاق می‌کنند از باب تنزیل و ادعا یا از باب مشارکت در اثر است مشکل است.

اشکال سوم:

بر فرض که این تنزیل و ادعا را در مورد صحیحی بپذیریم ولی پذیرش آن بنا بر قول به اعم مشکل است، یعنی بر فرض بپذیریم صحیحی لفظ «صلاة» را بر همه مراتب از صلاة صحیح اطلاق می‌کند لکن اطلاق آن بر مراتب پایین از باب تنزیل این مراتب بمنزله مرتبه علیاست، عالی‌ترین مرتبه صلاة، نمازی است که همه اجزاء و شرائط را داشته باشد ولی سایر مراتب نمازهای صحیح از باب تنزیل به منزله عالی‌ترین مرتبه قلمداد شده و یا از باب مشارکت در اثر است، ولی این مطلب بنا بر قول به اعم قابل پذیرش نیست، اعمی چگونه می‌تواند نماز فاسد را ادعائاً و تنزیلاً نازل منزله مرتبه صحیح تام الاجزاء و الشرائط بداند؟ یعنی اگر از اعمی سؤال کنند چرا به این نمازی که فاسد است نماز می‌گویی در پاسخ نمی‌گویی به خاطر این است که من این نماز را نازل منزله مرتبه علیا که نماز صحیح تام الاجزاء و الشرائط است قرار داده‌ام. بدتر از این مطلب این است که گفته شود اعمی از باب مشارکت در اثر نماز فاسد را نازل منزله نماز صحیح قرار داده است، پس به نظر اعمی اطلاق نماز بر نماز غرقی یا نماز مضطجع (کسی که خوابیده نماز می‌خواند) که فاسد هم هست از باب تنزیل آن نماز بمنزله نماز تام الاجزاء و الشرائط یا از باب مشارکت در اثر نیست لذا حتی اگر ما این مطلب را در مورد صحیحی بپذیریم ولی در مورد اعمی قابل پذیرش نیست.

اشکال چهارم:

اگر پای مشارکت در اثر به میان بیاید این در واقع خودش تصویر جامع محسوب می‌شود. محقق نائینی می‌گوید ما نیازی به تصویر جامع نداریم؛ چون موضوع له الفاظ عبادات مرتبه علیای عبادات است و استعمال این الفاظ در سایر مراتب به لحاظ مشارکت در اثر است، پس ایشان موضوع له را همان مرتبه علیا می‌داند ولی می‌گوید این الفاظ در مراتب پایین‌تر هم استعمال می‌شود و این استعمال به خاطر مشارکت در اثری است که هم در مرتبه علیا وجود دارد و هم در مراتب پایین‌تر. سؤال این

است که این مشارکت در اثر همان جامعی است که شما ضرورت تصویر آن را انکار می‌کنید لذا شما هم ناچار از تصویر جامع هستید، هر چند شما می‌گویید: موضوع له یک قدر جامع و مشترک نیست بلکه موضوع له همان مرتبه علیاست و استعمال الفاظ عبادات و معاملات در مراتب پایین تر به لحاظ اشتراک در اثری که بین مرتبه علیا و مراتب پایین تر وجود دارد.

اشکال پنجم:

همچنین ما آن بخش از کلام محقق نائینی را که فرمود: به تصویر جامع نیاز نداریم مگر در مورد نماز حاضر و مسافر، قبول نداریم، ایشان فرمود: ما در مورد نماز حاضر و مسافر چاره‌ای جز تصویر قدر جامع نداریم چون این دو نماز در عرض هم هستند نه در طول هم لذا ناچاریم از اینکه یک قدر مشترکی بین این دو فرض و آن را موضوع له قرار دهیم.

این مسئله از این جهت محل اشکال است که به چه دلیل نماز حاضر و نماز مسافر را در عرض هم می‌دانید اما سایر نمازها را در عرض هم نمی‌دانید؟ آیا مثلاً بین نماز حاضر و نماز مسافر که در عرض هم هستند باید قدر جامع تصویر شود اما بین نمازهای یومیه و نماز جمعه نیازی به تصویر قدر جامع نیست؟ آیا بین نماز حاضر و نماز مسافر باید قدر جامع تصویر شود اما بین نماز جمعه و نماز عید فطر و عید قربان لازم نیست که قدر جامع تصویر شود؟ یعنی آیا فقط نماز حاضر و مسافر در عرض هم هستند و سایر نمازها در طول هم هستند؟ چه طولیتی بین نماز عیدین (عید فطر و عید قربان) و نماز جمعه وجود دارد؟ چه طولیتی بین نماز یومیه و نماز جمعه است؟ نماز میت با نماز عید در عرض هم نیستند؟

لذا معلوم نیست محقق نائینی به چه دلیل نماز حاضر و نماز مسافر را استثناء کرده است، چون آنچه ایشان در استثناء نماز حاضر و مسافر از عدم لزوم تصویر جامع فرموده در اکثر نمازهای دیگر هم جاری است، عمده دلیل ایشان بر این استثناء این بود که چون نماز حاضر و مسافر در عرض هم هستند لذا چاره‌ای نیست جز اینکه بین آنها جامعی تصویر شود ولی ما عرض می‌کنیم این مطلب در سایر نمازها هم جاری است یعنی سایر نمازها هم در عرض هم هستند لذا تصویر جامع در آنها هم ضروری است، یعنی همان طور که وظیفه مکلف در حضر نماز تمام و در سفر نماز شکسته است و وظیفه مکلف نسبت به میت مسلمان، نماز میت و وظیفه مسلمان در روز عید فطر نماز عید است و وظیفه او در روز جمعه نماز جمعه است (علی القول بوجوبه التعین)، لذا سایر نمازها هم در عرض هم هستند و دلیلی که محقق نائینی برای استثناء نماز حاضر و مسافر ذکر کرد که چون این دو نماز در عرض هم هستند لذا ناچار از تصویر جامع هستیم نسبت به اکثر موارد استعمالات لفظ «صلاة» جاری است لذا به همین دلیل در سایر أنحاء نماز هم نیاز به تصویر جامع داریم.

محصل بحث در مقام اول:

محصل آنچه ما در مقام اول (ضرورت تصویر جامع) گفتیم این است که حق با مشهور است، یعنی حق آن است که ما در بحث صحیح و اعم ناچار از تصویر جامع هستیم و چاره‌ای جز تصویر جامع نداریم یعنی بدون تصویر جامع، نزاع بین صحیحی و اعمی معنی نخواهد داشت، لذا صحیحی‌ها که قائل به وضع الفاظ عبادات و معاملات برای خصوص صحیح هستند با این تنوعی که در انواع صلاة وجود دارد باید مشخص کنند منظور از صلاة صحیح در انواع نماز چیست؟ صلاة صحیح در نماز میت، صلاة

صحیح در نماز عید، صلاة صحیح در نماز جمعه و صلاة صحیح در نمازهای یومیه با هم فرق می‌کند- گفتیم فرض این است که وضع عام و موضوع‌له عام است، حتی اگر ما وضع را عام و موضوع‌له را خاص بدانیم یا وضع را خاص و موضوع‌له را عام بدانیم هم تصویر جامع لازم است و فقط بنا بر یک احتمال که وضع خاص و موضوع‌له خاص باشد تصویر جامع لازم نیست ولی آن احتمال از اساس قائلی ندارد و چه صحیحی و چه اعمی هیچ کدام به وضع خاص و موضوع‌له خاص قائل نشده‌اند- لذا چاره‌ای جز تصویر جامع نیست و باید یک جامعی تصویر شود تا همه این انحاء و اقسام مختلف و متنوع را در بر گیرد. پس کلام محقق نائینی که فرمود تصویر جامع ضرورتی ندارد تمام نیست و حق در مسئله قول مشهور است که می‌گوید تصویر جامع ضروری و لازم است، لذا ما ناچار از تصویر جامع هستیم علی کلا القولین (صحیح و اعم).

بحث جلسه آینده: مقام دوم بحث از وجوه تصویر جامع است، حال که ما پذیرفتیم تصویر جامع در بحث صحیح و اعم ضروری است بحث در این است که آن جامع چیست؟ در اینجا اقوال مختلفی مطرح شده که ان شاء الله در جلسه آینده آنها را ذکر و مورد بررسی قرار خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمین»